ادله استحاله رجوع استثناء به جمیع عمومات (امکان یا استحاله ثبوتی)

در تقریر این دلیل، به دو گونه می‌توان بحث را مطرح کرد. یکی آنچه صراحت کلام مرحوم عراقی است و دیگری تقریری که به صورت مفصل‌تر مرحوم فاضل ارائه کرده است. ابتدا تقریر مرحوم فاضل را مطرح می‌کنیم و سپس به کلام مرحوم عراقی اشاره می‌کنیم.

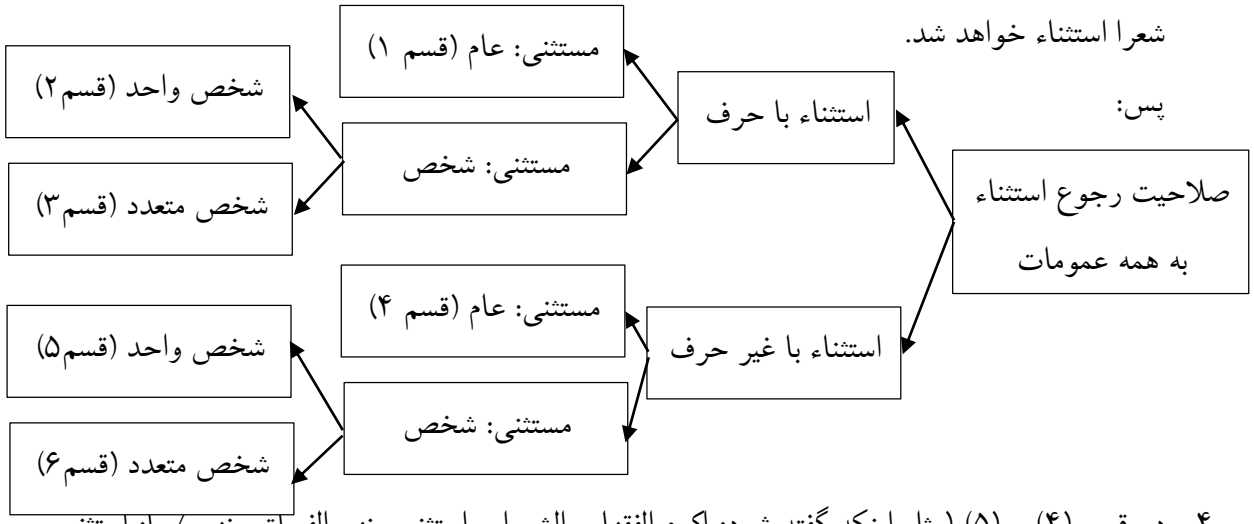
الف) تقریر مرحوم فاضل[1]

۱. ادات استثناء گاهی حرف هستند (مثل الا) و گاهی اسم یا فعل هستند (غیر، استثنی) همچنین مستثنی هم گاهی عام است (الا الفساق منهم) و گاهی شخص است (الا زیداً)

۲. در صورتی که مستثنی، شخص است، گاهی یک زید، هم عالم است و هم شاعر است (اکرم العلما و اطعم الشعرا الا زیداً) و گاهی چند زید داریم که یکی عالم است و یکی شاعر است.

۳. توجه شود که اگر امکان رجوع استثناء به همه عناوین وجود ندارد؛ مثلاً اگر گفته شد «اکرم العلما و الشعرا الا زیداً» و تنها یک زید موجود است که شاعر است و عالم نیست، طبیعی است که زید تنها از شعرا استثناء خواهد شد.

پس:



۴. در قسم (۴) و (۵) (مثل اینکه گفته شود: اکرم الفقها و الشعرا و استثنی منهم الفساق منهم / یا: استثنی منهم زیداً)، اگر استثنا بخواهد به همه عمومات برگردد، استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد لازم می‌آید. چرا که «استثنی» دال بر اخراج واحد است و اگر از همه عمومات اخراج صورت پذیرد، اخراج‌های متعدد پدید می‌آید. چرا که هر اخراج از یک مستثنی منه، یک اخراج علی حده است.

۵. اما در قسم (۱) و (۳) (مثل اینکه گفته شود: اکرم العلما و الشعرا الا الفساق منهم / و یا الا زیداً): چون وضع حروف عام، موضوع له خاص است و استعمال هم حقیقی است و لذا مستعمل فیه همانند موضوع‌له

[1]. ن ک: اصول فقه شیعه، ج۶، ص۳۱۱

خاص است. لاجرم «یک استثناء» صورت وقوع می‌پذیرد و اگر بخواهید استثناء به همه عمومات برگردد، استعمال در غیر واحد واقع می‌شود.

۶. اما در قسم (۲) و (۵) (مثل اینکه گفته شود: اکرم العلما و الشعرا الا زیداً و یک زید هم عالم است و هم شاعر) در این صورت استثناء زید اگر با حروف و یا با غیر حروف واقع شود و استثناء زید از همه عمومات واقع شود، استعمال واحدی صورت پذیرفته است.

ما می‌گوییم:

۱. بر این تقریر دو اشکال قابل طرح است:

اولاً: در مثال «اکرم العلما و الشعرا و استثنی منهم الفساق/ یا استثنی منهم زیداً) آنچه در اکثر از واحد استعمال شده است، ضمیر «منهم» است و نه کلمه «استثنی».

و به همین جهت اگر بگوییم «اکرم العلما و الشعرا و استثنی الفساق / یا: استثنی زیداً» (یعنی ضمیر «منهم» را به کار نبریم) باز هم منهم در تقدیر است.

پس در همه موارد آنچه در اکثر استعمال شده است، «ضمیر» یا «ادات استثناء» است که هر دو هم دارای وضع عام و موضوع له خاص‌اند. (اگر چه در قسم (۶)، در لفظ «زید» هم باید به استعمال در اکثر بر واحد قائل شد)

البته این سخن در جایی که با لفظ «غیر» وارد شده‌اند، (مثل اکرم العلما و الشعرا غیر زید) مطرح نمی‌شود.

ثانیاً: تقریر مرحوم فاضل بر استحاله استعمال در اکثر است و این استحاله هم در اسامی (که وضع عام و موضوع له عام یا وضع خاص و موضوع له خاص دارند) و هم در حروف و اداۀ (که وضع عام و موضوع له خاص دارند) یکسان است و نمی‌توان بین آنها فرق گذاشت.